

نشانه‌های وحدت در کثرت جامعه هند^۱

حجت‌اله درویش‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۴

تاریخ تصویب: ۹۰/۷/۲۳

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی «وحدت در گوناگونی در جامعه‌ی هند» انجام گرفته است. در این تحقیق در ابتدا هند جامعه‌ای گوناگون فرض شد و گوناگونی‌های حیرت‌انگیز جامعه‌ی هندوستان مورد بررسی قرار گرفته و با بررسی مختصر مذهب، زبان و غیره در این کشور فرض «گوناگونی جامعه‌ی هند» ثابت گردید. در قسمت دوم، فرض دیگری مطرح شد و آن اینکه، جامعه‌ی هند در عین گوناگونی دارای وحدت است. در این خصوص عوامل وحدت بخش در این جامعه‌ی متکثر و گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و در این راستا

۱. هند یا هندوستان با نام رسمی جمهوری هند (هندی: भारत गणराज्य؛ تلفظ: بهارات گنارایجا)، کشوری در جنوب آسیا، که پایتخت آن «دهلی نو» است. نام «هند» (India) مشتق شده از واژه‌ی «ایندوس» (Indus) در زبان پارسی باستان است که به جای واژه‌ی سانسکریت «سی ندو» (Sindhu) به کار می‌رفته و نام رودخانه سند بوده است. همچنین واژه‌ی «هندوستان» که به عنوان نام کامل این سرزمین در اغلب کشورها از جمله خود هند رواج دارد، واژه‌ای فارسی به معنی «سرزمین «هندیها» است. پهناوری هندوستان ۳،۲۸۷،۲۴۰ کیلومتر مربع (هفتم در جهان، ۲ برابر ایران) است. جمعیت هندوستان حدود ۱ میلیارد و ۱۵۰ میلیون نفر است که دومین کشور پرجمعیت جهان پس از چین به شمار می‌آید. هند، بخش بزرگ جنوب آسیا و شبه قاره هند را به خود اختصاص داده است. تنوع نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی به این کشور چشم اندازی شگرف از همزیستی مسالمت آمیز میان اعتقادات گوناگون بخشیده است.

۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه (fds548@yahoo.com)

بنیان‌ها و اصول وحدت بخش اولیه و ثانویه مورد بحث قرار گرفته و نقش هر کدام در ایجاد وحدت در جامعه‌ی هند مشخص گردید. در قسمت سوم، عوامل تهدید کننده‌ی وحدت جامعه‌ی هند، که تا کنون، تا حدی تحت کنترل دولت فدرال قرار گرفته، بررسی شده است. نتیجه‌ی تحقیق نشان داد که علی‌رغم وجود یک سری عوامل تهدید کننده‌ی وحدت، فرض وجود وحدت در عین گوناگونی در مورد جامعه‌ی هند صادق است، به عبارت دیگر در عین گوناگونی، وحدت بر جامعه‌ی هند حاکم است.

واژه‌های کلیدی: وحدت، گوناگونی، جامعه‌ی هند، چندگانگی، مذهب، فرهنگ، قوم، قانون اساسی، فدرالیسم، سکولاریسم، ناسیونالیسم.

مقدمه

جوامع دارای اقوام، فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون، همواره از ناحیه‌ی وحدت ملی رنج برده‌اند و مهمترین دغدغه‌ی رهبران و سیاستمداران در این کشورها ایجاد و تقویت مبانی وحدت در جامعه بوده است. «وحدت در گوناگونی» یا «وحدت در عین چندگانگی»، آرمانی است که هماهنگی بین گروه‌های مختلف مردم را در یک جامعه توصیف می‌کند و یک فلسفه‌ی اجتماعی - زیست بوم شناسی است، که یک حس اتحاد را، علی‌رغم مرزهای فیزیکی و روانشناختی، نشان می‌دهد.^۱ وحدت در عین چندگانگی شعار اتحادیه اروپا و کشورهای متنوع و گوناگون از نظر قومی، از جمله اندونزی، آفریقای جنوبی، غنا و به‌طور گسترده‌ای برای توصیف کشور هند بکار می‌رود. هندوستان، یکی از کم نظیرترین کشورها از نظر تنوع و گوناگونی قومی، مذهبی و فرهنگی است، به گونه‌ای که، این گوناگونی چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. با این وجود، نوعی وحدت در عین گوناگونی، در این کشور به چشم می‌خورد، که در عصری که «اریک‌هاپسبوم»^۲ آنرا «تجزیه‌ی ملتها»^۳ می‌نامند

1. Wikipedia Encyclopedia
2. Eric Hobsbawm
3. Nations-splitting

(Habsbawm, ۱۹۹۱)، اعجاز بر انگیز است. گوناگونی و وحدت در هندوستان موضوعی است که میل هر پژوهشگری را که از نزدیک این جامعه را مشاهده می‌کند، بسوی یک تحقیق علمی بر می‌انگیزد. بررسی این پدیده‌ی جالب در این کشور نسبتاً پهناور، علاوه بر اینکه برای این جانب که مدتی در این کشور اقامت داشتم، یک انگیزه‌ی شخصی را ایجاد نمود تا به راز و رمز این گوناگونی و وحدت پی برده، مزیت‌های مهمی در پی داشته است. اول اینکه، گوناگونی و وحدت، یکی از موضوعات جالب توجه، برای مطالعه و تحقیق در ایران نیز می‌باشد؛ زیرا ایران نیز یکی از کشورهایی است که نسبتاً از تنوع قومی، فرهنگی و مذهبی بالایی برخوردار بوده و همواره ایجاد وحدت بین اقوام، مذاهب و فرهنگهای ایرانی، یکی از دغدغه‌های دولتمردان و پژوهشگران ما بوده است. بررسی این موضوع در کشور پهناور هندوستان، که دارای تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی بیشتری نسبت به ایران نیز است، از بعد مطالعات مقایسه‌ای، می‌تواند در کشور ایران بسیار مفید فایده باشد. دوم اینکه، در بعد مطالعات سیاسی، بین‌المللی و منطقه‌ای، نیز این تحقیق می‌تواند مورد استفاده‌ی سیاستمداران و پژوهشگران باشد. این انگیزه و فواید، سبب نگارش مقاله‌ی حاضر گردید. این مقاله ابتدا گوناگونی‌ها را در جامعه‌ی هندوستان بررسی و سپس عوامل «وحدت در عین گوناگونی» را در این کشور بطور مختصر بحث می‌کند، و در آخر اشاره‌ای گذرا به عوامل اختلاف یا وحدت شکن در این کشور خواهد داشت و در نهایت نتیجه‌گیری تحقیق را ارائه می‌نماید.

گوناگونی در جامعه هند

هند یا هندوستان پر از گوناگونی‌های حیرت‌انگیز است. هند، گذشته از جغرافیای حیرت‌انگیزش، سرزمین گوناگونی‌های فراوان و اعجاب‌انگیز دیگر نیز هست. وجود اقوام، نژادها، مذاهب، فرهنگ‌ها، زبان‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم، شیوه‌های زندگی گوناگون و

متفاوت و گوناگونی‌های دیگر، این کشور را به سنبل «گوناگونی» و ضرب‌المثلی از تکرار و گوناگونی قرار داده است. جامعه‌ی هند را جامعه‌ای «کثیرالقوم»^۱، «کثیرالمذهب»^۲ و «متکثر از نظر زبان»^۳ می‌دانند. گذشتگان از جامعه‌ی هندوستان تعبیر به «هفتاد و دو ملت» می‌کردند. کمتر کشوری را در جهان سوم و آسیا می‌توان یافت که دارای این همه اقوام، مذاهب، زبان، فرهنگ، و خصوصیت‌های قومی خاص باشد که در هندوستان وجود دارد. اشاره‌ای گذرا به گوناگونی در مذهب، زبان و نژاد، عمق این گوناگونی، تنوع و تفاوت‌ها را نشان می‌دهد. از نظر قومی، جمعیت هندیک ترکیب حیرت‌انگیز از نژادها و اقوام گوناگون و یک موزه‌ی انسان‌شناسی است. حداقل شش گروه نژادی اصلی با صدها زیر گروه کوچکتر و گروه‌های قومی متعدد دیگری در هند وجود دارد (Davan, 1999 & Schermerhon, 1987).

مذاهب اصلی در این کشور عبارتند از «هندوئیسم»^۴، «اسلام»، «سیکیسم»^۵، «جینیسم»^۶، «بودیسم»^۷ و «مسیحیت». مذاهب دیگر چون «یهودیت»، «زرتشت» و «بهائیت» نیز دارای پیروان و طرفداران قابل توجهی در هند می‌باشند. علاوه بر اینها، مذاهب دیگری، همچون «مذاهب قبیله‌ای» نیز در این کشور وجود دارد که هر کدام دارای اعتقادات و آیین‌های خاص خود می‌باشند.^۸ در سرزمین هندوستان هر کدام از مذاهب فوق خود به شاخه‌های متعدد و همچنین زیر شاخه‌های زیادتری تقسیم می‌شوند و گاه فاصله‌های این شاخه‌ها و زیر شاخه‌ها از همدیگر چنان زیاد است که به سختی می‌توان آنها را جزء یک مذهب دانست (Randy, 1997).

1. Multi-ethnic
2. Multi-religious
3. Multi-lingual
4. Hinduism.
5. Sikhism
6. Jainism
7. Buddhism

۸. حدود ۸۰/۵٪ مردم هند پیرو آئین‌های هندو و حدود ۱۳/۴٪ مسلمان هستند. هند همچنین بیش از ۲/۳٪ مسیحی و ۱/۹٪ سیک دارد. هند اگرچه زادگاه آئین بودا بوده، اما جمعیت بوداییان هند در حال حاضر تنها حدود ۰/۸٪ برآورد می‌شود. علاوه بر آن پیروان آیین جینیسم ۰/۸٪ و مجموع پیروان دین زرتشتی، یهودی، بهایی و بقیه مذاهب ۰/۴٪ می‌باشد (سرشماری هند سال ۲۰۰۷). هند بزرگ‌ترین اجتماع فرقه‌ی احمدیه و مذاهب ایرانی بهایی و زرتشتی در سراسر جهان نیز بشمار می‌رود.

تنوع و گوناگونی در زبان بسیار بیشتر از مذهب می‌باشد. از نظر زبانی، بیست و دو زبان رسمی که پانزده زبان از آنها در قانون اساسی بعنوان زبان‌های رسمی آمده است و صدها زبان و لهجه‌ی غیر رسمی در هندوستان وجود دارد. در سال ۲۰۰۵ زبان‌هایی که به‌عنوان زبان‌های رسمی در ایالت‌های هند شناخته شده‌اند به ۲۲ زبان رسید. گوناگونی زبانی در هند، خیلی بیشتر از زبان‌های رسمی در این کشور است. کل زبان‌های مادری در سرشماری سال ۱۹۷۱ حدود ۳۰۰۰ و در سال ۱۹۸۱ حدود ۷۰۰۰ و در سال ۱۹۹۱ بیش از ۱۰۰۰۰ زبان و لهجه برآورد شده است (Das, 2006:34).

زبان و لهجه‌های قبیله‌ای بخش قابل توجهی از زبان‌های هندی را تشکیل می‌دهند. بسیاری از زبان‌های قبیله‌ای ادبیات رو به رشدی دارند و حتی در مواردی رسم الخط خاص خود را دارند. البته با وجود این تنوع زبانی در هند، زبان انگلیسی مهمترین زبان برای ارتباطات ملی، سیاسی و تجاری در هند است. پس از انگلیسی، زبان هندی زبان ملی است و در سراسر هند رسمیت دارد. پس از این دو زبان، زبان‌های ایالتی، در هر ایالتی که زبان اکثریت مردم باشد، در آن ایالت رسمیت دارد. براین اساس در هر ایالتی سه زبان انگلیسی، هندی و ایالتی رسمیت دارد، و سایر زبان‌ها به طور غیر رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. با وجود همگی این گوناگونی‌ها نوعی وحدت بر جامعه‌ی هند حاکم است.

اصول وحدت در جامعه هندوستان

هندوستان یک نمونه‌ی واقعی «وحدت در عین چندگانگی» یا «وحدت در عین گوناگونی» است. این واقعیتی است که بیشتر محققین بدان اعتراف دارند، واقعیتی که در این تحقیق نیز مورد قبول قرار گرفته است. اما سؤال اصلی در این تحقیق این است که، اساس و بنیان این وحدت در عین چندگانگی چیست؟ به عبارت دیگر اصول وحدت در جامعه‌ی متکثر، متنوع و گوناگون هندی چیست؟ در این تحقیق عوامل وحدت در جامعه‌ی هندوستان به

طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این راستا به «تاریخ»، «فرهنگ و ادبیات»، به‌عنوان بنیان‌های وحدت بخش اولیه و «قانون اساسی هندوستان»، «دموکراسی»، «سکولاریسم» و «فدرالیسم» به‌عنوان اصول وحدت بخش ثانویه مورد بحث قرار گرفته و نقش هر کدام در ایجاد وحدت در جامعه‌ی هند مشخص می‌گردد.

۱- تاریخ هندوستان

هندوستان تاریخ طولانی‌ای دارد. تاریخ هند به ۶۰۰۰ سال پیش و «تمدن دره سند»^۱ (۳۳۰۰ سال قبل از میلاد) که با «دوره وداها»^۲ دنبال شد، دوره‌ای که بستر پیدایش هندوئیسم و دیگر جنبه‌های فرهنگی جامعه‌ی اولیه‌ی هند بود و در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد پایان یافت، بر می‌گردد (Reddy, 2003:107).

از ۵۵۰ قبل از میلاد، حکومت‌های مستقلی در سراسر هند استقرار یافت و در قرن سوم قبل از میلاد بیشتر جنوب آسیا، خصوصاً شبه قاره هند، به‌وسیله‌ی «امپراطوری موریان»^۳ متحد شد. در زمان «آشوکای بزرگ»^۴، معروف‌ترین امپراطور سلسله‌ی موریان، این امپراطوری به اوج خود رسید، و امپراطور آشوکا، بودیسم را پذیرفت و به ترویج آن پرداخت. امپراطور در عین حال مروج آیین آهیمسا^۵ یعنی «آیین عدم خشونت» شد و تساهل مذهبی را نسبت به سایر آیین‌ها و مذاهب پیشه‌ی خود ساخت (Majudar and Munshi, 1990:42-55).

۱. **Indus Valley Civilization**، تمدن دره‌ی سند (حدود ۳۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد)، یک تمدن باستانی بوده است، که در ابتدا کناره‌های رود سند، در ایالت سند پاکستان فعلی، بوجود آمد، سپس به غرب ایالت بلوچستان و شمال غربی و غرب هند گسترش یافت. بقایای این تمدن در افغانستان، ترکمنستان و ایران فعلی نیز یافت می‌شود.

2. Vedic Period
3. Mauriya Empire
4. Asoka the great

۵. آهیمسا، یک اصطلاح سانسکریت است به معنای «عدم خشونت» (از نظر لغوی یعنی دور از هیسما یعنی خشونت) آهیسما یک عقیده‌ی مهم در مذاهبی است که از هند باستان ریشه گرفته‌اند (هندوئیسم، بودیسم و بویژه جینیسم). بر اساس این عقیده، کشتن و زخمی نمودن موجودات زنده ممنوع است. آهیسما، در جینیسم، تأکید بر گیاهخواری دارد و کشتن و شکار حیوانات را ممنوع می‌داند. جینیسم حتی کشتن پشه، و حشرات را نیز ممنوع می‌داند و پیروان این عقیده تمام تلاش را می‌نمایند که تا آنجاییکه ممکن است به هیچ حشره‌ای صدمه وارد نشود.

در قرن چهارم و پنجم میلادی، سلسله‌ی «گوپتا»^۱، شمال هند را متحد ساخت و در این دوره، که معروف به «عصر طلایی هندوئیسم هندی» است، فرهنگ و سیطره‌ی هندوئیسم در هند به اوج خود رسید (Stein, 2006:100-110).

در طول دوران حکومت سلاطین اسلامی، قرن‌های ۱۲ و ۱۳ و سپس در عصر مغولان (۱۸۵۷ - ۱۵۲۶)، با وجود درگیریها و اختلافات مذهبی بعضی از حاکمان تلاش کردند که وحدت هند را بازسازی نمایند. امپراتور «اکبر کبیر»^۲، امپراتور مسلمان، تلاش نمود با ایجاد یک آیین جدید بنام «دین الهی»^۳ که با التقاط اصول اسلامی و هندوئیسم و مذاهب بزرگ هند بوجود آورده بود، هندیان را حول یک مذهب وحدت دهد (Ahmad, 1996:89 & shashi:51-52).

رادا کریشنان می‌گوید: «اکبر شاه می‌گفت انسانهای خردمند و متفکران پرهیزکار از هر دینی که باشند، دارای قدرتهای خارق العاده اند و سرور همه‌ی ملل هستند...؛ کبیر، نانک،^۴ ددو و بسیاری دیگر آمیخته‌ای از هندو و مسلمان بودند؛ در تاریخ هندوستان «نهضت‌های عرفانی» نیز در موارد زیاد مشوق وحدت بوده‌اند. کریشنان در جای دیگر می‌گوید: «رهبران نهضت بکتی (طریقت عشق در سلوک) تمام عناصر تعصب آمیز و برخی ریاضت‌های بی‌فایده و فتنه انگیز را کنار نهادند و ایمان بی‌پیرایه‌ی آنان بر اساس عشق الهی و انسان دوستی در طول دوره مبارزات ضد استعماری در هند بود» (Radha Krishnan, 1939:340).

روشنفکران و رهبران ملی هند، خصوصاً «مهاتما گاندی»، «جواهر لعل نهرو»، «عبدالکلام آزاد» و دیگران، شعار وحدت را سر لوحه‌ی کار خود قرار دادند. گاندی که خود هندو بود، با هدف حفظ وحدت مردم هند، اصول عدم خشونت، تساهل و اخلاق جهانی را تبلیغ

1. Gupta Dynasty
2. Akbar the Great
3. Divine religion

۴. گرو نانک دیو، مبدع آیین سیک و نخستین گرو یا معلم آیین سیک بود.

می‌کرد؛ جواهر لعل نهرو اعلان داشت که ورای گوناگونی هندیان «یک و وحدت ذاتی» وجود دارد (Misra, 2004:14).

این تمایلات رهبران نهضت ضد استعماری هندوستان، در قانون اساسی ۱۹۴۷ نقش مهم خود را در جهت حفظ وحدت ایفا کرد. بالاخره تاریخ طولانی هند، با تلاشهای صورت گرفته در جهت وحدت ساکنانش، فرهنگ خاص هند، را شکل داده است که خود یکی از عوامل مهم وحدت در این کشور نسبتاً پهناور است.

۲- وحدت فرهنگی و ادبیات هند

فرهنگ هند بوسیله‌ی تاریخ طولانی این کشور شکل گرفته است. با وجود تنوع فرهنگ در جامعه‌ی بیش از یک میلیارد نفری هندوستان، نوعی وحدت فرهنگی در این جامعه وجود دارد. بعضی از محققین معتقدند که هویت اصلی هند، نه «سیاسی»، بلکه «فرهنگی» بوده است. یک محقق هندی می‌نویسد: هند شاید تنها تمدن تاریخی است که همگرایی فرهنگی خود را حفظ کرده، بدون اینکه یک مرکزیت سیاسی خاصی هویت یافته باشد (Khanna and other, 1988:77).

همه‌ی گوناگونی‌ها، که در اثر تهاجمات و مهاجرت‌های پی در پی به شبه قاره هند به وجود آمد، این فرهنگ چند هزار ساله و تمدن هندی و وحدت اساسی در ساختار اجتماعی آن از گذشته دور تا زمان حاضر تداوم داشته است. امواج گوناگون نه تنها فرهنگ سنتی هند را از بین نبرده، بلکه خود موجب غنای آن شده‌اند. تمدن هندی امواج مهاجمان و مهاجرین را در خود جذب کرده است. تمدن باستانی هند یک تفاوت مهم با تمدنهای «مصر»، «بین النهرین» و «یونان باستان» دارد، و آن این است که سنت‌های هندی، از گذشته دور تا امروز بدون وقفه تداوم داشته است. در واقع هند با ترکیب فرهنگ‌های زیادی به وحدت رسیده است. خاصیت قابل سازگاری و روح تساهل فرهنگ هندی آن را قادر ساخته است که در فراز و

نشیب‌های متعدد زنده باقی بماند. گروه‌های فرهنگی مختلف در کنار یکدیگر در هند زندگی می‌کنند و این جامعه‌ی هند را یک جامعه‌ی «چند فرهنگی»^۱ ساخته است. همانطور که موری می‌گوید، ترکیب فرهنگ هند را نمی‌توان با «کوره‌ی مذاب»^۲ جامعه‌ی آمریکا یا با دولت «چند ملتی»^۳ شوروی سابق، مقایسه کرد. موزاییک اجتماعی - فرهنگی هند، یک تصویر حقیقی از «وحدت در عین چندگانگی» است، مانند سبزیجات در یک سالاد، جایی که هر جزء در عین اینکه هویت خاص خود را حفظ می‌کند، بخشی از یک کل بزرگتر است (Muni, 1996).

یکی از خصوصیات خاص گروه‌های قومی در جامعه‌ی هند این است که گروه‌های قومی قلمرو مشخصی ندارند؛ زیرا شاخص‌های فرهنگی که چنان گروه‌هایی را هویت می‌بخشد، با مرزهای جغرافیایی انطباق ندارد. بر این اساس، مردمی که به مذاهب، قبایل، طبقات نژادها و زبانهای خاص تعلق دارند، در مناطق جغرافیای مختلفی پراکنده شده‌اند. حتی دوباره سازماندهی کردن ایالات در هند بر اساس صف بندی‌های زبانی، قادر به غلبه بر این وضعیت نشده است. زبان هرگز مانعی برای وحدت فرهنگی و مذهبی در هند نبوده است. برعکس، حتی یک زبان یعنی زبان انگلیسی وحدت فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی را در هند مستحکم نمود. این زبان وحدت سیاسی را در دوران سلطه‌ی انگلیسیها بر هند، ممکن ساخت. این وحدت فرهنگی هند، پس از استقلال هم ادامه یافت. پس از استقلال در هند تلاشهای زیادی به کار رفت تا علی‌رغم وجود هویت‌های قومی مختلف وحدت ملی و فرهنگی هند حفظ شود. یکی از محققین، که سالیان زیادی در شوروی سابق زندگی کرده است، یک مقایسه بین ساختار پروسه‌ی ملت‌سازی در «هند» و «شوروی» سابق انجام داد. او اظهار داشت که: اتحاد شوروی به‌عنوان یک دولت - چند ملتی یا کثیرالملله به وجود آمد؛ بدون اینکه یک فرهنگ ترکیبی بین قومی ایجاد کند، چیزی که می‌توانست یک هویت مشترک^۴ از مردم شوروی را در

1. Multicultural society
2. Melting-pot
3. Multinational society
4. Common Identity

شکل یک «ناسیونالیسم شوروی»^۱ تقویت نماید. در نبود چنان هویت وحدت بخش مشترکی، ملیت‌های تشکیل دهنده‌ی شوروی به‌سوی گسترش هویت‌های جدا و خاص خود سوق داده شدند، که به نوبه‌ی خود باعث رشد ناسیونالیسم جدایی طلب گردید. در هند تلاش برای ایجاد چنان فرهنگ ترکیبی بین قومی‌ای وجود داشته است. دولت هند، پس از استقلال، سخت تلاش نمود که یک هویت ملی هندی را در پروسه ملت‌سازی خلق کند. دولت هند از زمان استقلال، هرچند به‌عنوان یک دولت کثیر المله، «ناسیونالیسم هندی»^۲ را به‌عنوان یک رشته‌ی مشترک برای همه‌ی مردم هند گسترش داده است (Subhakant, 1995:20-30).

همچنین بر اساس یک مطالعه پیمایشی در هند در برابر سؤال مربوط به، «هویت ملی هند» ۹۰ درصد از پاسخ دهندگان جواب مثبت به این گزینه داده اند، براساس این پیمایش تمایلات ملی گرایانه‌ی هندی در بین پاسخگویان بیش از حتی اسپانیا، آرژانتین، برزیل، بلژیک، سوئیس و آلمان بوده است (Subhakant, 1995:31).

در راستای وجود اثبات وجود یک اشتراک فرهنگی در هندوستان همچنین باید افزود که هندوستان مهد ادبیات وسیعی نیز می‌باشد. ادبیات هند، که خود از زبان‌های مختلف تشکیل یافته است، نیز برای همه‌ی هندیان آشنا بوده و در هر شکل خود هرگز نافی وحدت هند نبوده است. عوامل بنیادین فوق‌الذکر، به نحوی زیرکانه در تدوین قانون اساسی هند و به منظور حفظ وحدت مد نظر قرار گرفته شده است. در بحث زیر نقش مهم قانون اساسی هند و اصول اساسی آن در ایجاد وحدت در جامعه‌ی هند روشن خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

2. Soviet Nationalism
3. Indian Nationalism

۳- قانون اساسی هند و وحدت جامعه

قانون اساسی سال ۱۹۴۹ هندوستان، حکومت هند را یک جمهوری دموکراتیک و فدرال معرفی نمود و در اصلاحیه‌های بعدی سکولاریسم نیز جزء خصوصیات این جمهوری اعلان شد. بنابراین، دموکراسی، سکولاریسم^۱ و فدرالیسم^۲ سه مشخصه‌ی مهم قانون اساسی هندوستان می‌باشد. اصولی که هر کدام به نوبه‌ی خود وسیله‌ای برای حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه‌ی گوناگون هندوستان بوده است.

الف: دموکراسی

هندوستان را بزرگترین دموکراسی جهان، از نظر تعداد رأی‌دهندگان و همچنین مهمترین دموکراسی آسیا می‌خوانند. سیاسی کردن مسایل قومی و زبانی بخشی از دموکراسی هندوستان بوده است. مردم هندوستان از طریق انتخابات در همه‌ی سطوح (ملی، ایالتی و محلی) بر اساس «حق هر نفر یک رأی» حکومت خویش را انتخاب می‌کنند. هر شهروند هندی که دارای ۱۸ سال و بالاتر از آن باشد بدون توجه به طبقه، نژاد، رنگ، مذهب و جنسیت از حق رأی برخوردار است. هیچکدام از مقامات مهم حکومتی در هندوستان، براساس قانون تعلق به شخص، گروه، حزب، نژاد و مذهب خاصی نیست. هر شهروند هندی، در صورت انتخاب شدن بوسیله‌ی رأی‌دهندگانی که قانون تعیین نموده است، می‌تواند مقامی چون ریاست جمهوری، نخست وزیری و غیره را کسب نمایند.

هندوستان پس از استقلال از انگلستان (سال ۱۹۴۷) نیز یک کشور با سیستم چند حزبی بوده است. براساس قانون هر حزبی که در رقابت‌های انتخاباتی پیروز شود و بیشترین کرسی‌های مجلس ملی را به دست آورد، دولت را تشکیل می‌دهد. و تا هنگامی که به تنهایی یا با ائتلاف با احزاب دیگر بتواند اکثریت را در پارلمان حفظ نماید، همچنان قدرت را در دست دارد. هندوستان دارای دو مجلس ملی و به تعداد ایالاتش مجالس ایالتی است. مجالس ملی عبارتند

1. Secularism
2. Federalism

از «لوک سبها»^۱ (مجلس مردم) و «راجیا سبها»^۲ (مجلس ایالات). لوک سبها، یا مجلس مردم، دارای ۵۵۲ عضو است که مستقیماً بوسیله ی مردم و از سراسر هندوستان انتخاب می شوند و مجلس ایالات، یا راجیا سبها، دارای ۲۵۰ عضو است؛ که عمدتاً به وسیله ی مجالس ایالتی انتخاب می شوند و تعداد ۱۲ نفر از آنها بوسیله ی رییس جمهور انتخاب می شوند. آنچه جلای خاصی به دموکراسی هندی می دهد، وجود فعالیت آزاد احزاب مختلف در سطح ملی و منطقه ای است. احزاب سیاسی در هند، در دو گروه طبقه بندی شده اند، یکی احزاب ملی و دیگر احزاب ایالتی، احزاب ایالتی احزابی هستند که صلاحیت آنها بوسیله ی کمیسیون انتخابات هند تعیین می شوند. چگونگی تعیین ملی یا ایالتی بودن احزاب، با توجه به میزان نفوذ آنها در کسب آرای مردم و فرستادن نمایندگان خود به مجالس ملی و ایالتی، بوسیله ی کمیسیون انتخابات هند مشخص می شود. بعنوان مثال یکی از شرایط پذیرش یک حزب به عنوان حزب ایالتی فرستادن حداقل ۴٪ از نمایندگان ایالت به مجلس مردم (لوک سبها) توسط حزب است. حزبی به عنوان حزب ملی پذیرفته می شود که حداقل در چهار ایالت یا بیشتر مورد پذیرش قرار گیرد. احزاب ملی، معمولاً در سراسر هند فعالیت انتخاباتی می نمایند.^۳ حزب «کنگره ملی هند»^۴ و «بهاراتیانا»^۵ مهمترین احزاب ملی در هند بشمار می روند.

ب: سکولاریسم هندی به عنوان یک عامل وحدت

کلمه ی سکولاریسم، با چهل و دومین اصلاحیه ی سال ۱۹۷۹، در طول یک دوره ی اضطراری در هند به مقدمه ی قانون اساسی افزوده شد. قبل از استقلال هند از انگلستان، سکولاریسم در

1. Lok Sabha
2. Rajya Sabha

۳. مهمترین احزاب ملی در هند عبارت بوده اند از: حزب کنگره ملی هند، حزب بهاراتیا جاناتا، حزب باهوجان سمع، حزب ساماجوادی، حزب کمونیست هند.

4. Indian National Congress (INC).
5. Baharatiya Janata Party(BJP).

موضوع وحدت هندو-مسلمان متمرکز بود و پس از استقلال علاوه بر آن نظر به حل نزاع‌های منطقه ای، کاست‌ها و قبایل، دنبال شد (Rao:72).

سکولاریسم هندی به معنای متداول یعنی رد مذهب، نیست و کلمه‌ی سکولاریسم به این معنا نیست که هند با مذاهب مخالف است و آنها را طرد می‌کند، بلکه برعکس، در اینجا سکولاریسم به معنای قبول همه مذاهب است. سکولاریسم در اینجا در معنی برابری همه‌ی مذاهب و تساهل مذهبی است. به همین خاطر هندوستان دارای مذهبی رسمی نیست. در هندوستان هر فردی حق انتخاب، تبلیغ و عمل به هر مذهبی را دارد و بر اساس قانون حکومت حق ندارد به نفع یا علیه هیچ مذهبی عمل نماید، و بایستی با همه‌ی مذاهب با دیده احترام برابر بنگرد. همه شهروندان، بدون توجه به اعتقادات مذهبی در برابر قانون مساوی هستند. به هر حال با سکولاریسم به عنوان خط مشی سیاسی دولت، ایده‌ی وحدت در عین چندگانگی دنبال می‌شود. سکولاریسم در اینجا به دنبال متحد ساختن غیر معتقدین با معتقدین و وحدت بین معتقدین فرقه‌ها و مذاهب مختلف در یک سیستم سیاسی-اقتصادی - اجتماعی مشترک است.

بنیان‌گذاران قانون اساسی هند، مفهوم جدیدی را از سکولاریسم را پیشنهاد داده اند. بعضی از رهبران قانون اساسی هند، از سکولاریسم به عنوان «نسخه هندی سکولاریسم»^۱ یاد کرده‌اند، که از نظر آنها از مفهوم غربی آن که به دنبال بی تفاوتی در مذهب و جدایی دولت جامعه و امور رسمی از مذهب است و مذهب را محدود به امور خاصی می‌نماید، وسیع‌تر است (Pandy, 1997:77).

بخش سوم از قانون اساسی هندوستان تحت عنوان «حقوق اساسی»^۲ شامل مواد ۱۲ تا ۳۵، از برابری همه‌ی شهروندان در مقابل قانون بحث می‌کند. قانون اساسی در این مواد قانونی، تبعیض در زمینه‌های مذهب، نژاد، کاست، جنس و محل تولد را ممنوع می‌نماید و مساوات

1. Indian Version of Secularism
2. Fundamental Rights

در فرصت‌های استخدام دولتی را ضمانت می‌نماید. ماده ۲۵ قانون اساسی می‌گوید: «... همه‌ی افراد در اعتقاد، اظهار، عمل و تبلیغ مذهب آزادند» و ماده ۲۶، حق ایجاد و نگهداری موسسات مذهبی و خیریه، برای اداره‌ی امور خویش در رابطه با مذهب را بیان می‌دارد. قانون اساسی از طریق مواد ۲۹ و ۳۰، حقوق اقلیت‌ها را در امور فرهنگی و آموزشی مورد شناسایی قرار داده و بیان می‌دارد که هر گروهی از شهروندان که زبان، رسم الخط یا فرهنگ خاص دارند، حق دارند که آن را حفظ نمایند.

ج: فدرالیسم، به‌عنوان یک رکن وحدت

یکی از جنبه‌های نهادینه شده برای مدیریت ناهمگونی جامعه و حفظ وحدت ملی، ساختار «فدرالیسم هندی»^۱ است. در جوامع از نظر سیاسی سازمان یافته، فدرالیسم روشی است که بوسیله آن همگرایی بدست می‌آید. بنیان‌های فدرالیسم برای رفع نگرانی در زمینه‌های وحدت و همگرایی یک ملت از نظر فرهنگی گوناگون وضع شده است (Wit, 1953:150). در بحث بر روی همگرایی ملی هندوستان و تنش‌های قومی، طبیعت عملکردی ساختار قدرت فدرالی نقش مهمی را ایفا کرده است. تاریخ هندوستان گواه این واقعیت است که هندوستان هرگز یک واحد نبوده است. تنها در زمان حاکمیت انگلستان بر هند این کشور یک واحد سیاسی منسجم شد و یک حکومت واحد در کل قلمرو حکومت داشت. حتی در طول حکومت «اکبر کبیر» و «مغول‌ها» حاکمان مستقلی وجود داشت، که از حاکمیت سیاسی بهره مند بوده و گاهی با همدیگر در ستیز بوده‌اند. اما امروزه هندوستان مهم‌ترین حکومت فدرال با گوناگونی قومی در جهان است. قانون اساسی هندوستان، این کشور را یک جمهوری فدرال معرفی می‌نماید که به ۲۸ ایالت و ۷ منطقه متحده تقسیم می‌شود، که هر کدام از این ایالات و مناطق متحده خود نیز به واحدهای کوچکتر تقسیم می‌شوند. هم‌اکنون در این کشور ۲۸ حکومت ایالتی و ۷ منطقه متحده که دارای سیستم اداره‌ی خاص خود می‌باشند، وجود دارد و

1. Indian federalism

قدرت سیاسی و اقتصادی به نحوی متوازن بین حکومت ایالت و حکومت مرکزی تقسیم شده است. هر ایالت دارای قوه اجرایی، قانونگذاری و قضایی خاص خود بوده، که نحوه ارتباط آن با قوه مجریه، مقننه و قضاییه دولت مرکزی بر اساس قانون تعیین می‌شود. البته قانون اساسی هند به نحو زیرکانه‌ای، فدرالیسم هندی را به سمت یک فدرالیسم نسبتاً متمرکز گرا سوق داده است (The Constitution of India).

در یک فدرالیسم متمرکز گرا، سهم قدرت دولت‌های ایالتی، نسبتاً محدود است و حال اینکه در یک فدرالیسم غیر متمرکز گرا، سهم قدرت دولت‌های ایالتی وسیع‌تر است. بنیانگذاران قانون اساسی هندوستان می‌خواستند که قدرت دولت مرکزی را در مقابل فشارهای احتمالی ناهمگرایانه را تقویت نمایند. دکتر «آمبد کار»^۱ یکی از بنیانگذاران قانون اساسی هندوستان، هنگام پیشنهاد نسخه اولیه ی قانون اساسی به مجلس قانونگذاری خاطر نشان کرد: «اگر چه هندوستان می‌بایستی فدرال باشد، اما فدرالیسم نتیجه‌ی یک توافق بوسیله‌ی ایالات برای پیوستن به یک حکومت فدرال نبوده است. فدرال نه حاصل یک توافق است و نه ایالت حق دارد از آن جدا شود. اگر چه کشور و مردم ممکن است برای اداره‌ی راحت تر به ایالت‌های مختلف تقسیم شوند، ولی کشوری یک کل تام است» (Muni, 1996).

علاوه بر اصول مربوط به دموکراسی، سکولاریسم و فدرالیسم، قانون اساسی از طریق یک سری اصول دیگر تحت عنوان «وظایف اساسی»^۲ در پی تحقیق «وحدت در عین چندگانگی» در هندوستان است. ماده ۵۱ الف از جمله این اصول است که می‌گوید: «وظیفه‌ی هر شهروند هندی است که از قانون اساسی تبعیت کرده و به آرمانهای بنیادهای قانون اساسی، پرچم و سرود ملی احترام گذاشته و حاکمیت و وحدت و یگانگی هندوستان را حفظ نموده و از کشور دفاع نموده و خدمت ملی را در صورت فراخوانی انجام داده، و هماهنگی و روح برادری را ارتقا داده، از اموال عمومی حفاظت به عمل آورده و در جهت بهبود در همه‌ی

1. Ambedkar
2. Fundamental Duties

زمینه‌های فعالیت‌های فردی و اجتماعی تلاش نماید؛ بطوریکه ملت همواره به سوی بالاترین درجات موفقیت پیش رود».

بطور خلاصه قانون اساسی از طریق خیلی از اصولش در مورد دموکراسی، سکولاریسم، حقوق اقلیت‌ها، فدرالیسم و وظایف اساسی، تلاش نموده است که همه ی اقوام هندی را در یک وحدت در عین چندگانگی، حفظ نماید. با این وجود این وحدت گاهگاهی به وسیله عوامل متعدد، دچار اضطراب و اخلال شده است.

عوامل برهم زننده وحدت در هندوستان

علیرغم وجود عوامل وحدت زای بسیار در جامعه‌ی متنوع و گوناگون هندوستان، یک سری عوامل تهدید کننده در مقابل وحدت جامعه قرار دارد. از میان مهمترین این عوامل: «ناسیونالیسم هندی»^۱ یا «هندو چوا»^۲، نزاع‌های مذهبی^۳، ناحیه‌گرایی^۴ و مشاجرات بین دولت‌های ایالتی و حکومت مرکزی را می‌توان نام برد. این عوامل را بطور خیلی مختصر مرور می‌کنیم.

۱- ناسیونالیسم هندو

ناسیونالیسم هندو، نقش مهمی را در تاریخ اخیر هند ایفا کرده است. ناسیونالیسم هندو، یک ایدئولوژی ناسیونالیستی است که جمهوری جدید هندوستان را یک «جمهوری هندو»^۵ می‌داند و در تلاش برای حفظ میراث هندو است؛ که از آن به «هندو چوا» تعبیر می‌شود. هندو چوا، در تعبیر به جنبشی که طرفدار ناسیونالیسم هندو است بکار می‌رود. ناسیونالیسم هندو نخست به وسیله‌ی «وی. دی. سوارکار»^۶ به وضوح بیان شد. او می‌گوید، هندوچوا، بر

1. Hindu nationalism
2. Hindutva
3. Religious Conflicts
4. Regionalism
5. Hindu polity
6. V.D.Savarkar

سه پایه استوار است: ملیت مشترک (رشترا)^۱، نژاد مشترک (جاتی)^۲ و یک فرهنگ مشترک از تمدن (یعنی سانسکریت)^۳. ناسیونالیسم هندو، بیشتر بوسیله آر. اس. اس^۴، یک سازمان ناسیونالیسم هئو تبلیغ شد. آر. اس. اس از طریق سازمان و احزاب مختلف، همچون بهاراتا جانانا پارتنی^۵ بهاراتیا ماجدور سنگ^۶ و امثال آنها عمل می‌کند. افراطی‌ترین موضع ناسیونالیسم هندو به وسیله دومین رهبر آر. اس. اس یعنی «ام. اس. گولوکار»^۷ اعلان شد. او در کتاب خود تحت عنوان: «ما و تعیین ملیت‌مان»^۸ نوشت: مردم غیر هندو در هندوستان باید فرهنگ و زبان هندو را بکار برند و به مذهب هندو احترام گذاشته و آنرا تقدیس کنند و غیر از این هیچ مطالبه‌ی دیگری نداشته باشند، در غیر این صورت بایستی خارجی محسوب شوند (Gopland, 2007:409).

البته این نوع دیدگاه‌ها به وسیله عوامل وحدت آفرین مورد بحث و نیز احزاب و گروه‌های سیاسی رقیب تعدیل می‌شود.

۲- نزاع‌های مذهبی

در طول تاریخ اعتقادات و تکالیف مذهبی، در مرکز ستیزه‌های مذهبی بوده است. نزاع و خشونت‌های مذهبی، می‌تواند بین دو یا چند مذهب کاملاً متفاوت رخ دهد، یا از درون پیروان یک مذهب به وجود آید. خشونت‌ها می‌تواند بین پیروان یک مذهب علیه پیروان و یا مؤسسات مربوط به مذهب دیگر رخ دهد، و یا در اثر انشعابات که درون یک مذهب رخ داده است به وجود آید. گرچه در هندوستان پلورالیسم مذهبی وجود دارد و از نظر قانون اساسی،

2. Common Nationality (rashtra)
3. Common race (Jati)
4. Common Culture of Civilization (Sanskrit).
5. R.S.S.(Rashtriya Swayam-sevak Sangh or Political Volunteer League)
6. Bharatiya Janata Party (BJP)
7. Bharatiya Majdoor Sangh(BJS)
8. M.S. Golwalkar
9. We and our Nationhood defined

هندیک کشور سکولار می‌باشد؛ اما با این وجود، از زمان استقلال تا کنون حجم زیادی از خشونت‌های مذهبی، در این کشور رخ داده است.

در زمان حاکمیت مستقیم انگلیسی‌ها در هند (۱۹۴۷-۱۸۵۷)، انگلیسی‌ها سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» را در این کشور اجرا کردند؛ هر چند این سیاست در جلوگیری از اتحاد هندیان علیه انگلیس مؤثر بود، ولی هرگز نتوانست مانع اتحاد هندیان اعم از هندو، مسلمان و غیره در مبارزات استقلال‌طلبی که سرانجام باعث استقلال این کشور (اوت سال ۱۹۴۷) گردید، شود. اما پس از استقلال، شبه قاره هند، شاهدیکی از نزاع‌های نسبتاً بزرگ مذهبی جهان در قرن بیستم بود، نزاع‌هایی که باعث تقسیم شبه قاره هند به سه کشور هند، پاکستان و بنگلادش گردید. به دنبال آن، بیش از ۱۴/۵ میلیون مسلمان، هندو و سیک، بین هند و پاکستان جابجا شدند (سرشماری افراد و مسکن ۱۹۵۱) و با وجود گذشت بیش از ۶۳ سال از جدایی هند و پاکستان مشکلات نزاع‌های مذهبی در شبه قاره همچنان کم و بیش وجود دارد و حتی بر سیاست‌های این دو کشور نسبت به یکدیگر سایه افکنده است. نمونه‌های روشنی از خشونت‌های مذهبی را در دهه‌ی اخیر می‌توان در هندوستان ذکر کرد که از جمله آنها قتل خانم «اینندرا گاندی» نخست وزیر هند، در سال ۱۹۸۴، به‌وسیله دو سرباز سیک و خشونت‌های سازمان‌یافته در رابطه با تخریب «مسجد بابری» در «آیوزیا» به‌دست هندوها در دسامبر ۱۹۹۲ و حوادث خونین پس از آن را می‌توان نام برد. از طرفی دیگر، در جامعه‌ی هند، تغییر مذهب نیز امری نسبتاً آشکار است، امری که خود می‌تواند باعث افزایش حساسیت‌های مذهبی و گاه تنش گردد. به عنوان مثال هزاران نفر از «دالیت‌ها» در دهه‌های اخیر به «بودیسم» و «مسیحیت» تغییر مذهب داده‌اند.

1. The Babri Masjid
2. Ayodhya

۳- منطقه‌گرایی

منطقه‌گرایی عبارت است از احساس شدید وفاداری به یک ناحیه و منطقه‌ی خاص. در کشور هندوستان منطقه‌گرایی در گوناگونی زبانها، فرهنگها، قبایل، اجتماعات، مذاهب و امثال آن ریشه دارد و بارها خود را نشان داده است. خصایص قومی مذهبی، زبانی و غیره، گاه کشمکش‌های دراز مدتی را بین یک منطقه با منطقه‌ی دیگر و یا ایالت‌ها و دولت فدرال مرکزی به وجود می‌آورد. منطقه‌گرایی در مواردی به صورت تجزیه طلبی و استقلال طلبی در آمده است، که نمونه‌ی بارز آن در «منطقه کشمیر» هند می‌باشد.^۱

البته از زمان استقلال تا کنون روشنفکران و رهبران استقلال و دولت فدرال هند که تا کنون به وسیله احزاب متعددی اداره شده است، تلاش بی وقفه‌ای جهت حفظ وحدت در عین چندگانگی در هند مبذول داشته‌اند و علی‌رغم پاره‌ای مشکلات تا کنون خود را در نیل به این هدف موفق نشان داده‌اند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با عنوان «وحدت در گوناگونی در جامعه‌ی هند» بر این فرض بنا شد که هند یا هندوستان یک نمونه‌ی کامل از «وحدت در عین گوناگونی» است. این فرض خود در واقع مبتنی بر دو فرض، یکی فرض وجود گوناگونی جامعه‌ی هند، و دیگر وجود وحدت در آن بود. یک سؤال اصلی نیز مطرح شد و آن این بود که راز و علل این وحدت در عین

۱. جامو و کشمیر شمالی‌ترین ایالات و هجدهمین ایالت پرجمعیت هند است. اسلام، مذهب ۶۷ درصد کل جمعیت ایالت و ۹۷ درصد جمعیت کشمیر است. (سرشماری سال ۲۰۰۱ هند). منطقه سابق شاهنشین جامو و کشمیر مورد مناقشه بین کشورهای چین، هند و پاکستان است. هند دو سوم کشمیر را کنترل می‌کند و پاکستان یک سوم باقیمانده را در کنترل خود دارد. هر دو کشور مدعی تمامی منطقه هستند. منطقه کشمیر یکی از کانون‌های بحران در آسیا، به‌ویژه در شبه قاره هند است. بحران کشمیر نه تنها موجب تنش و حتی جنگ بین کشورهای مدعی مالکیت آن شده، بلکه باعث درگیری‌های خونینی بین گروه‌های مسلمان جدایی‌خواه و دولت هند شده است. ریشه‌ی بحران کشمیر نیز به زمان تقسیم شبه قاره؛ یعنی اوت سال ۱۹۴۷ م برمی‌گردد که انگلستان در طرح تقسیم، تکلیف این منطقه را روشن نکرد و درهاله‌ای از ابهام باقی گذاشت و زمینه را برای شکل‌گیری نزاع مستمر بین پاکستان و هند فراهم کرد. سازمان ملل متحد نیز طی دو قطعنامه در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹، سرنوشت مردم کشمیر را به عهده خود آن‌ها گذاشت. ولی هند از انجام آن استنکاف ورزیده، زیرا آن را مسأله‌ی داخلی خود تلقی می‌کند. جدایی‌خواهان مسلمان در کشمیر هند از سال ۱۹۸۹ میلادی برای استقلال یا ادغام با پاکستان می‌جنگند و در جریان آن تاکنون بیش از ۴۷ هزار تن کشته شده‌اند.

گوناگونی چیست؟ دریا فته‌های تحقیق در خصوص فرض وجود گوناگونی جامعه‌ی هند، معلوم گردید که این کشور پر از گوناگونی‌های حیرت‌انگیز است. جامعه‌ی هند جامعه‌ای «کثیرالقوم»، «کثیرالمذهب» و «متکثر از نظر زبان» است. تقسیمات جمعیتی هند همیشه بر اساس مذهب صورت می‌گیرد که از این نظر، علاوه بر مذاهب اصلی یعنی «هندویسم»، «اسلام»، «سیکسیسم»، «جینیسم»، «بودیسم» و «مسیحیت»، مذاهب دیگر چون «یهودیت»، «زرتشت»، «بهاییت» و «مذاهب قبیله‌ای» نیز در این کشور وجود دارد. از نظر زبانی، بیست و دو زبان رسمی، و صدها زبان و لهجه‌ی غیر رسمی در هندوستان وجود دارد. با وجود این همه گوناگونی فرض دوم بر این بود که هندوستان یک نمونه‌ی واقعی «وحدت در عین چندگانگی» یا «وحدت در عین گوناگونی» است.

در جواب سؤال اصلی تحقیق که اساس و بنیان این وحدت در عین چندگانگی چیست؟ عوامل وحدت در جامعه هندوستان به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفت، و در این راستا «تاریخ»، «فرهنگ و ادبیات»، به‌عنوان بنیان‌های وحدت بخش اولیه و «قانون اساسی هندوستان»، «دموکراسی»، «سکولاریسم» و «فدرالیسم» به‌عنوان اصول وحدت بخش ثانویه شناخته شد. با توضیح عوامل وحدت بخش، فرض دوم تحقیق به اثبات رسید. با این وجود بررسی نشان داد که این وحدت به وسیله عوامل متعددی، گاهگاهی دچار اضطراب و اخلال شده است. از میان مهمترین عوامل تهدید کننده‌ی وحدت در جامعه‌ی هند می‌توان به «ناسیونالیسم هندی»، نزاع‌های مذهبی، ناحیه‌گرایی و مشاجرات بین دولت‌های ایالتی و حکومت مرکزی اشاره کرد. البته از زمان استقلال تا کنون، روشنفکران، رهبران استقلال و دولت فدرال هند که تاکنون به وسیله احزاب متعددی اداره شده است، تلاش بی‌وقفه‌ای جهت حفظ وحدت در عین چندگانگی در هند مبذول داشته‌اند و علی‌رغم پاره‌ای مشکلات تا کنون خود را در نیل به این هدف موفق نشان داده‌اند؛ با این بیان، در روند تحقیق، مدعای اصلی تحقیق، مبنی بر وحدت در عین چندگانگی در جامعه‌ی هند، مورد تأیید قرار گرفت؛

ولی با این حال، تداوم این وحدت بستگی به میزان کنترل و هدایت عوامل تهدید کننده‌ی وحدت در جامعه‌ی هند، توسط تصمیم گیرندگان سیاسی دارد.

منابع

1. Ahmad, Ishtiaq, *State, Nationalism, and Ethnicity in South Asia*, (London, New York, Pinter, 1996).
2. Aleaz, Bonita, Lipi Ghosh and Achintya Kumar Dutta, *Ethnicity, Nations & Minorities, the South Asian Scenario*, Indian association for Asian & Pacific studies 2003.
3. Ajit.K. Davan (Ajit Kumar), *Ethnicity in India*, (New Delhi, 1991).
4. A., Sarkar, *Regionalism, State and the Emerging Political Patterns of India* (Calcutta: Firma K L M, 1991).
5. Bahattaghyya Harihar, 'Federalism and Regionalism in India Institutional Strategies and Political Accommodation of Identity', in *South Asian and Comparative Politics* Working Paper No. 27 · May 2005 · I ISSN 1617-5069.
6. Basham, A.L. *Wonder that was India, a survey of the history and culture of the Indian subcontinent before the coming of the Muslims* (Grove Press. New York. Publication Year: 1954).
7. Bhatt, S.C. and Gopalk Bhagava, *Land and people of Indian states and union territories, 36 volume*, (Kalpaz publications, Delhi, 2005).
8. B. Mukherjee, *Regionalism in Indian Perspective* (Calcutta: K P Bagchi and Co, 1992).
9. Burton Stein, *A History of India*, Oxford University Press, New Delhi, 1998.
10. Dallmayr, Fred and G.N. Devy, *Between Tradition and Modernity: Indian's search for Identity*, (New Delhi, Sage Publications, 1998).
11. Das, N.K. 'Cultural Diversity, Religious Syncretism and People of India: An Anthropological Interpretation', in: *Bangladesh e-Journal of Sociology* Volume 3.
12. Etal Bose Ashish, *Growth of the Parsi Population in India*, (Mumbai: Government of India: National Commission for Minorities 2004).
13. G. R. S., Rao, *Regionalism in India* (New Delhi: S Chand and Co, 1975).
14. Harihar Bhattacharyya, 'Multiculturalism in Contemporary India', (UNESCO December 2003).
15. Hobsbawm Erik, and Terence Ranger, *The Invention of Tradition*, (Cambridge: Cambridge University Press 1983).

16. Hobsbawm, Erik., *Nations and Nationalism since 1780* ,(Cambridge: CUP, 1991).
17. Khanna D.D., L.L.Mehrotra and Gert W. Kueck, *Democracy, Diversity, Stability: 50 years of Indian Independence*, Macmillan India Limited, New Delhi, 1998.
18. Majumdar R.C. and K.M. Munshi, *The History and Culture of Indian People vol.2, :The Age of Imperial Unity*, Bombay, Bharati Vidya Bahvan, 6th edition, 1990.
19. Mcguire John, IAN Gopland, *Hindu Nationalism and Governance*, Oxford University Press, New Delhi, 2007.
20. M. Ram, *Hindi against India* (New Delhi: Rachna, 1968).
21. Muni S.D. "Ethnic conflict, federalism, and democracy in India" IN, Ethnicity and Power in the Contemporary World (UNU, 1996)
22. Pandey Rajendra, *Minorities in India--Protection and Welfare*, (S.B. Nagia, New Delhi, 1997).
23. R. G., Reddy, and Sharma, B A, *Regionalism in India: A Study of Telengana* (New Delhi: Concept, 1979).
24. Reddy, Krishna, *Indian History*, New Delhi, Tata McGraw Hill, 2003.
25. Shakir, Moin, *Religion, State and Politics in India*, Ajanta Publications, Delhi, 1989.
26. Subhakanta, Behera, 'Nation-State: Problems and Perspectives', (New Delhi, Sanchar Publishing House 1995).
27. Verma, G.P. 'territorial Integration and functional distribution under the Indian constitution: an appraisal', in U.G.Gupta, *Indian Federalism and Unity of Nation*, (Allahabad, Vora publication, 1988).
28. Viswanathan T. K, *The Constitution of India, Secretary to the Government of India*, (New Delhi; 6th June, 2004).
29. -----*The CIA-The World Fact book -India*
30. -----*The Constituent Assembly of India Debates*, (New Delhi, 1948), Vol. VII.
31. -----*The Columbia Encyclopedia*, Sixth Edition, (2001-05)
32. -----*The constitution of India*
33. -----*The Wikipedia*, the free Encyclopedia online